

## بررسی هشت حدیث منسوب به امام مجتبیٰ علیه السلام در تحف العقول\*

امین حسین پوری<sup>۱</sup>

ترجمه محمد امین سیاهپوش<sup>۲</sup>

سعید شعبانی<sup>۳</sup>

### چکیده:

با توجه به مرسل بودن احادیث کتاب تحف العقول و شهرت یافتن ارتباط مؤلف آن حسن بن شعبه حرانی با فرقه نصیریّه، نگارنده هشت حدیث از احادیث امام حسن مجتبیٰ علیه السلام را که در این کتاب آمده، بررسی و مستندیابی کرده است. با رجوع به صدها منبع دیگر نویسنده به این نتیجه رسیده که از این شمار، چهار حدیث از امام مجتبیٰ علیه السلام است، سه حدیث از معصومان دیگر که سهواً به امام مجتبیٰ نسبت داده شده و یک حدیث از شخصیت‌های مشهور صدر اسلام است.

واژگان کلیدی: امام حسن مجتبیٰ علیه السلام - احادیث؛ تحف العقول (کتاب)؛ اعتبارسنجی احادیث؛ ابن شعبه حرانی.

\* دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰.

۱. محقق و پژوهشگر.

۲. پژوهشگر.

۳. دانشجوی دکترا و پژوهشگر.

## اشاره:

این مقاله ترجمه و تلخیص و منتخبی از یک گفتار طولانی است با عنوان «احادیث الإمام الحسن بن علیّ المّجّتبّیّ سلام الله علیه في تحف العقول: توثیق و تخریج» که نویسنده محقق به زبان عربی در فصلنامه تراثنا شماره ۱۵۶ منتشر کرده است. از آنجا که در باره امام مجتبیٰ (ع) به ویژه احادیث آن امام همام کاری در خور، در مقالات فارسی نیافتیم، به نشر گزیده و خلاصه ای از ترجمه آن اقدام شد. در متن اصلی این مقاله بیست و هشت حدیث از امام مجتبیٰ (ع) در کتاب تحف العقول بررسی شده است. توضیح اینکه در مورد احادیث تحف العقول دو نکته مطرح شده است: یکی مرسل بودن این احادیث، دوم: شهرت یافتن ارتباط مؤلف تحف العقول یعنی ابن شعبه حرانی با گروه نصیریّه. بدین روی اعتبارسنجی این احادیث ضرورت می یابد. نتیجه کلی مؤلف پس از رجوع به صدها کتاب از مکاتب مختلف فکری مسلمانان در زمینه های حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، ادب و فنون دیگر چنین است:

«۲۸ حدیث که ابن شعبه از امام مجتبیٰ (ع) نقل کرده است به دسته هایی تقسیم

می شود:

۱. بخش اول: آنچه انتساب آن به امام مجتبیٰ (ع) ثابت شده و در احادیث شماره: ۱، ۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۶ و ۱۸ تا ۲۲ آمده است. این بخش ۵۰ درصد مجموع منقولات ابن شعبه را تشکیل می دهد.

۲. قسمت دوم: آنچه از کلام امام مجتبیٰ (ع) نیست، بلکه انتساب آن به امام علی یا دیگر امامان (ع) صحیح است؛ یعنی: شماره های: ۲، ۵، ۸، ۲۵، ۲۳ و ۲۶ از امیرالمؤمنین و شماره ۲۷ که به نظر می رسد از احادیث امام صادق (ع) باشد. این گروه در مجموع ۲۵ درصد مجموع احادیث روایت شده را شامل می شود.

۳. بخش سوم: آنچه منسوب به مردان دیگر از راویان سه قرن اول عامه ثابت شده و در احادیث شماره: ۷ و ۹ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۴ آمده است. این بخش حدود ۱۷٫۸ درصد از مجموع منقولات را شامل می شود.

۴. بخش چهارم: دو حدیث به شماره ۱۵ و ۲۸ که از قبول یا رد انتساب آنها به امام منصرف شدیم و ۱/۷ درصد کل احادیث را تشکیل می‌دهند.»  
 در این گفتار، به دلیل محدودیت صفحات مجله سفینه، تنها بررسی هشت حدیث از این تحقیق ارزشمند به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود، با این امید که متن کامل ترجمه فارسی مقاله استاد حسین پوری در فرصتی دیگر ارائه گردد. فصلنامه سفینه

#### مقدمه:

در دوران معاصر توجه شیعیان خاصه پژوهشگران شیعی به کتاب تحف العقول چندین برابر شده است. این کتاب یکی از منابع کهن شیعه به شمار می‌رود که حجم عظیمی از احادیث ائمه علیهم‌السلام در زمینه موعظه، اخلاق، رفتارهای خوب و مذموم و تہذیب نفس را در بر گرفته است.

تعداد زیادی از روایات کتاب تحف العقول در سایر منابع شیعه آمده است؛ حال آن روایت با همان تعابیر یا با اندکی تفاوت یا با اضافات و حذفیات تکرار شده است؛ اما به گونه ای که محقق در صدور اصل روایت شک نداشته باشد. با این حال تعداد قابل توجهی از روایات در این کتاب وجود دارد که در منابع دیگر شیعه نمی‌یابیم.  
 پژوهش‌هایی که اخیراً درباره زندگی و شخصیت ابن شعبه حرانی صورت گرفت، به ما کمک شایانی کرد تا با منهج و روش او بیشتر آشنا شویم. برای من مسجل شد که در عصر حاضر به خوانش جدیدی از روایات تحف العقول نیاز داریم.

#### ابن شعبه: زندگی و میراث او

شایسته است پیش از پرداختن به اصل تحقیق، تصویری مختصر از شخصیت و زندگی ابن شعبه ترسیم کنیم.

منابع او را «ابومحمد الحسن بن علی بن شعبه حرانی»<sup>۱</sup> معرفی کرده‌اند. امامیه تا قبل از عصر صفویه شناخت خاصی از ابن شعبه نداشتند. نخستین کسی از علماء ما که

۱. رجوع شود به منابعی که آینده خواهد آمد.

به معرفی ابن شعبه پرداخته، شیخ ابراهیم بن سلمان قطیفی است. او در کتاب خود «الوافیة فی تعیین الفرقة الناجیة» ضمن نقل حدیث از کتاب التمهیص می‌نویسد: «... آنچه روایت شده از شیخ عالم فاضل عامل فقیه خردمند ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه بحرانی<sup>۱</sup> قدس الله روح الزکیه در کتاب تمهیص...» (شیخ ابراهیم قطیفی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲)

از این رو شروع بررسی شخصیت ابن شعبه و میراث او به علمای عصر صفوی برمی‌گردد. آشنایی بیشتر علماء با حیات ابن شعبه و کتاب تحف العقول، سبب شد تا ضمن معرفی این کتاب در آثار خود به تجلیل از شخصیت او نیز پردازند. بزرگداشت او به خاطر روایات فراوانی است که شامل معنای بلند، الفاظ فصیح و کلمات زیبا است که در کنار یکدیگر گردآوری کرده است. به عنوان مثال شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) می‌نویسد: کتاب تحف العقول عن آل الرسول متعلق به شیخ ابومحمد الحسن بن علی بن شعبه، فاضل و محدث گرانقدر می‌باشد. کتاب نیکویی که دارای فوائد بیشمار و مشهوری است و همچنین کتاب «التمهیص» را مؤلف کتاب «مجالس المؤمنین» برای ابن شعبه ذکر کرده است «حرعاملی، بی تا، ج ۲، ص ۷۴»<sup>۲</sup> سایر علما نیز در تمجید از ابن شعبه بیاناتی داشته‌اند.

اخیراً سلسله ای از میراث فرقه نصیریّه تحت عنوان «سلسله التراث العلوی» منتشر شده که بسیاری از منابع برجسته و مهم آنها را در بر دارد. در این مجموعه کتاب‌هایی را به ابی محمد بن شعبه نسبت داده‌اند، از جمله: «تحف العقول»، «کتاب التمهیص»، «حقایق اسرار الدین»، «رسالة موضحة حقائق اسرار الدین» و «مسائل لابی محمد الحسن بن شعبه الحرانی».

پس از انتشار این میراث نصیری، برخی از محققان، شخصیت ابن شعبه و سه کتاب او را به صورت جامع و مانع مورد مطالعه قرار دادند؛ به گونه ای که از تحقیق جدید در مورد این موضوع کفایت می‌کرد.<sup>۳</sup> نتایج این تحقیقات نشان داد که وی از بزرگان نصیریّه است.

۱. البحرانی نوشته شده ولی صحیح آن الحرانی است.

۲. برای اطلاع بیشتر از اقوال متاخرین در شان ابن شعبه به کتاب اعیان الشیعه ج ۵، ص ۱۸۵ رجوع شود.

۳. برای مطالب بیشتر در مورد ابن شعبه، شخصیت و میراث به او نزد نصیریّه رجوع شود به: الف.

آنچه بیان شد خلاصه ای از پژوهش‌های جدید است که شامل شخصیت ابن شعبه، زندگانی و میراث او بود. بعد از این به بررسی بخشی از روایات تحف العقول که از امام حسن مجتبی (ع) صادر شده است می‌پردازیم.

۱. برخی از نصیریان معاصر که علاقه‌مند به نشر میراث خودشان هستند، افرادی از اعضای خانواده ی شعبه حرانی را که از شاگردان حسین بن حمدان خصیسی را (م ۳۴۶/۳۵۸ ق) - که از بزرگان نصیری در زمان خود و احیاگر آن بوده‌اند - منتسب به فرقه نصیری می‌دانند. از جمله «ابومحمد الحسن بن علی بن شعبه»، همان کسی که در صدد تعریفش هستیم، و «ابی عبدالله محمد بن شعبه حرانی» و «ابی القاسم بن شعبه حرانی» و دیگران (شعبه حرانی، ۲۰۰۶، ص ۷). در صورت صحت این انتساب‌ها مشخص می‌شود که خاندان شعبه یکی از برجسته‌ترین و قدیمی‌ترین خاندان‌های نصیریان‌اند که همواره در تلاش برای تربیت نسلی بوده‌اند تا مبلغ عقاید نصیری باشند.

۲. ابن شعبه از علمای فرقه نصیری بوده که در قرن چهارم هجری می‌زیسته است. وی متعدد و بدون واسطه از ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ هـ) (شعبه حرانی، ۲۰۰۶، صص ۱۷، ۹۱، ۹۴، ۱۰۷، ۱۲۵) روایت می‌کند. همچنین از مکتوبات امامیه در قرن چهارم از جمله کتاب «الکافی» شیخ کلینی (م ۳۲۹ هـ) (شعبه حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۳۱) نقل کرده است. نتایج بررسی اطلاعات تاریخی به ما می‌گوید که وی قبل از سال ۴۰۸ هجری قمری درگذشته است. (باقری، ۱۳۹۴، صص ۱۷۶-۱۷۷)

۳. می‌دانیم که آموزه‌های اعتقادی فرقه منحرف نصیری مملو از غلو، اعتقاد به الوهیت ائمه (ع)، حلول، تناسخ و سایر عقاید فاسده است. این موضوع به وضوح از مجلدات کتاب حقایق اسرار دین و دیگر مکتوبات آنها پیداست.

مقالات و بررسی‌های ادیان و مذاهب، سال ۴۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش، صص ۱۶۳-۱۸۳، مقاله: حقائق اسرار الدین متنی کهن از میراث نصیری پژوهشی در تاریخ‌گذاری و شناسایی مولف آن. نویسنده دکتر حمید باقری. ب. فصلنامه علوم حدیث فارسی، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۳ ش، صص ۵۵-۷۴، عنوان «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید الاثشار به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی محدث شناخته شده ی شیعی». از این دو مقاله بسیار استفاده کرده‌ایم. از همین جاز برادر ارجمند دکتر حمید باقری تشکر می‌کنیم.

۴. یکی از برجسته‌ترین کسانی که ابن شعبه ملازم او شد و معارف بسیاری را از وی اخذ کرد، حسین بن حمدان خصیبی بود. خود ابن شعبه اظهار داشته که کتاب «الرسالة الراستباشیه» نزد علی خصیبی خوانده است. این کتاب از منابع عقاید نصیرییه است. (باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴)

۵. نصیریان از دیرباز جایگاه فرزندان شعبه حرانی را در میان خود و نقش آنها در تحکیم عقاید و گسترش تفکرات خود ستوده‌اند. (باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۷۹)

در همین زمینه، پژوهش‌های خوبی توسط برخی از محققان صورت گرفته است. آنها برخی از روایات تحف العقول را مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که این روایات کلام امامی که روایت به او منسوب شده، نیست. بلکه این روایات، گفتار افراد دیگری است. روایات زیادی در منابع امامیه وجود دارد که در کتب ابن شعبه با اضافات یا تغییرات یافت می‌شود. ممکن است در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما با دقت به محتوای آن‌ها، به عدم سازگاریشان با عقاید شیعه پی می‌بریم. این اضافات یا تغییرات مختص منظومه اعتقادی نصیرییه می‌باشد.<sup>۱</sup>

همه این موارد بذر شک و سؤال اولیه را در ذهن نگارنده پیرامون اعتبار برخی از آنچه ابن شعبه به ائمه علیهم السلام نسبت داده است ایجاد کرد. سپس تصمیم گرفتم روایات ابن شعبه از امام حسن مجتبی علیه السلام را - به عنوان نمونه - مورد بررسی قرار دهم تا اعتبار آنچه به امام علیه السلام نسبت داده است از طریق مقایسه آن موارد با آنچه در منابع دیگر - اعم از شیعیان یا اهل سنت - قبل یا بعد از کتاب تحف العقول ابن شعبه آمده است مورد بررسی قرار دهیم.

لازم به ذکر است که در این تحقیق نقل‌های بعد از قرن ششم به جز مقدار اندکی بررسی نشده است. در این امر ضرورت و فایده علمی نیافتم، چرا که بسیاری از منابع متأخر به جز نقل قول از پیشینیان محتوای جدیدی ندارند. بخاطر وفور مصادر متقدم ذکر کردن منابع متأخر نتیجه‌ای به جز طولانی شدن این پژوهش نداشت.

همچنین از ذکر این نکته غافل نمی‌شویم که قاعده ما در اینجا برای تقدم یک نویسنده

بر دیگری، تاریخ وفات گردآورنده کتاب است، اما امکان دارد برخی از افراد را نسبت به معاصران خود که کتابش را در زمان آنها تألیف کرده از لحاظ زمانی دیرتر ذکر کنیم بدلیل فاصله اندکی که آنها - یعنی معاصر فرد نویسنده - زودتر از او وفات کرده‌اند.

اکنون آنچه را که ابن شعبه به امام حسن مجتبی ع نسبت داده است، بررسی می‌کنیم: <sup>۱</sup>

حدیث یکم. «... قِيلَ لَهُ: مَا الزُّهْدُ قَالَ: الرَّعْبَةُ فِي التَّقْوَى...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۵)

### مستندات

۱. برخی از این پرسشها را محمد بن مرزبان محولی (م ۳۰۹ ق) در کتاب «المروة» روایت کرده است.

۲. طبرانی (م ۳۶۰ ق) بدین گونه روایت کرده که «ابواسحاق السبعی از حارث نقل کرده که علی از فرزندش حسن بن علی رضی الله عنه پرسید «عَنْ أَشْيَاءٍ مِنْ أَمْرِ الْمَرْوَةِ، فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، مَا السَّدَادُ؟...»<sup>۲</sup> (ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۸)

۳. ابوالفرج معافی بن زکریا (م ۳۹۰ ق) در کتاب «الجلس الصالح کافی» با سندش به ابی اسحاق از حارث همین متن را روایت کرده است. (ابوالفرج المعافی، ۱۴۲۶، ص ۵۷۸)

۴. این پاسخ‌ها را صدوق (م ۳۸۱ ق) در معانی الاخبار (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۴۰۱) با سلسله روایان خود از مقدم بن شریح بن هانی از پدرش شریح بن هانی روایت کرده است.

۵. این سؤالات را ابوالحسن ماوردی (م ۴۵۰ ق) در کتاب «امثال و قضا» روایت کرده است که می‌گوید: «ابن عایشه<sup>۳</sup> روایت کرده است که: «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا- يَا بُنَيَّ، مَا السَّدَادُ؟» (ماوردی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۳)

۱. برای تسهیل روند جستجو و ارجاع، روایات را شماره گذاری کرده ایم.

۲. شاگرد او ابو نعیم نیز در حلیة الأولیاء، ج ۲، صص ۳۵-۳۶ از او روایت کرده است.

۳. أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصِ الْعَيْشِيِّ الْبَصْرِيِّ، الْأَخْبَارِيُّ (بعد ۱۴۰-۲۲۸ ق)؛ ابوحاتم و دیگران در موردش گفته‌اند: صَدَّقُوا فِي الْحَدِيثِ. رجوع شود به شرح حالش در سیر أعلام النبلاء، ج ۱۰، صص ۵۶۴-۵۶۷.

## توضیح

برخی منابع گفت وگویی را در همین زمینه به عمرو بن عاص و پسرش نسبت داده‌اند که او از پسرش عبدالله در مورد مکارم اخلاق و زشتی های آنها مطالبی پرسیده است. (ابوسعید الآبی، ۱۴۲۴، ج ۲، صص ۷۰-۷۱/ماوردی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۳/ابی بکر الشاشی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶). باید پرسید که آیا این سؤالات سهمی از واقعیت داشته است یا این تحریفات، حرکتی مذموم برای پیراستن تصویر ابن نابغه و نشان دادن او در قالب مردی خردمند است که به اخلاق و تربیت فرزندش اهمیت می‌دهد؟

به هر حال، شکی نیست که انتساب این سؤالات و پاسخ آنها به طور کلی به امام علی و فرزندش امام حسن علیه السلام ثابت شده است. جزئیات سؤالات، پاسخ آنها و اختلاف روایات مختلف باز هم نیاز به تحقیق بیشتری دارد که این مجال برای بررسی اندک است. حدیث دوم. «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ نَصَحَ لِيَّ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۷)

## مستندات

۱. این روایت را کلینی (م ۳۲۹ ق) با سلسله راویان خود در خطبه ای طولانی که از امیرالمؤمنین علیه السلام در ذی قار کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، صص ۳۸۶-۳۹۱ بیان شده، روایت کرده است. ۲. سید رضی (۴۰۶ ق) هم بخش‌هایی از آن را در نهج البلاغه خطبه ۱۴۷ ذکر کرده است.

بعید نیست که نسبت دادن این حکمت یا منبع آن برای ابن شعبه مبهم شده است. بدین روی آن را به امام حسن علیه السلام نسبت داده است و به هر حال این حکمت از اهل یک خانه صادر شده است که همان بیت علوی والامقام است.

حدیث سوم. جوابه عن مسائل سئل عنها في خبر طويل كتبنا منه موضع الحاجة: «بَعَثَ مُعَاوِيَةُ رَجُلًا مُتَنَكِّرًا يَسْأَلُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۸)

۱. نهج البلاغه (نشر موسسه نهج البلاغه به تصحیح شیخ عزیز الله عطاردی)، صص ۱۶۵-۱۶۷. در پاورقی های بعدی تنها به این نسخه اشاره می‌کنیم. ابتدای قطعه ای را که ابن شعبه ذکر کرده است در ص ۱۶۶ می‌یابیم.



### مستندات

- این سؤالات را شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در کتاب الخصال با سند خود از محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در رجبه بود که مردی به پاخواست... گفت: معاویه مرا نزد تو فرستاده در حالی که خود را به بی توجهی نسبت به مقام تو زده است... امام حسن به او فرمود: آنچه می‌خواهی از من بپرس تا پاسخت را بدهم! شامی گفت: ... (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۴۰).
- و ۳. فتال نیشابوری در روضة الواعظین (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۴۵-۴۶) و طبرسی در احتجاج (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، صص ۲۶۷-۲۶۹) بعد از او نقل کرده‌اند.

### توضیح

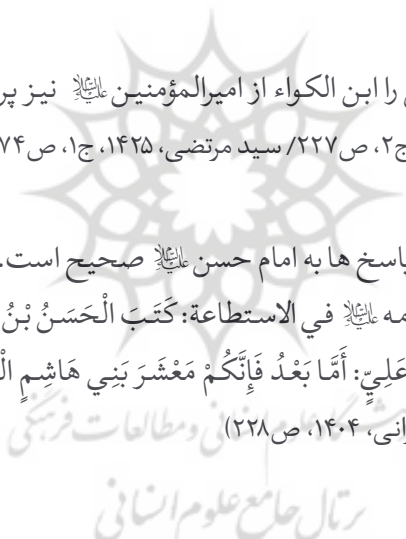
برخی از این مسائل را ابن الکواء از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز پرسیده است. رجوع شود: ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۲۷ / سید مرتضی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۷۴ / ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۷، صص ۹۹-۱۰۰.

نتیجتاً انتساب این پاسخ‌ها به امام حسن علیه السلام صحیح است.

حدیث چهارم. «کلامه علیه السلام فی الاستطاعة: کَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيُّ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّكُمْ مَعْشَرَ بَنِي هَاشِمٍ الْفُلُكُ الْجَارِيَةُ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۸)

### مستندات:

- کراجکی (۴۴۹ق) این نامه را با اختلاف در مفاد آن در کنز الفوائد نقل کرده، می‌گوید: «وَجَاءَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيَّ كَتَبَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: مِنَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّكُمْ مَعْشَرَ بَنِي هَاشِمٍ الْفُلُكُ الْجَارِيَةَ...» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۳۶۵-۳۶۶)
- علی بن عثمان هجویری یکی از برجسته‌ترین شیوخ صوفیه در عصر خود (م ۴۶۵ق) در کتاب کشف المحجوب (هجویری، ۱۳۸۳، صص ۱۰۶-۱۰۷) به طور مرسل از امام حسن علیه السلام آورده است.



۳. ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ ق) به طور مختصر در متشابه القرآن (شهرآشوب مازندرانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰۰)
۴. شیخ جمال الدین یوسف بن حاتم شامی (م ۶۸۰ ق) در الدرالنظیم روایت کرده است که: «كتب الحسن البصري الى الحسن بن علي عليه السلام: أمّا بعد فأنتم أهل بيت النبوة، و معدن الحكمة...» (مشغری عاملی، ۱۴۲۰، صص ۵۰۸-۵۰۹)
۵. شیخ علی بن یوسف حلی (زنده در ۷۰۳ ق) در عدد القویه (حلی، ۱۴۰۸، صص ۳۳-۳۴) همانند نقل الدرالنظیم
۶. دیلمی (ق ۹) در اعلام الدین (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۳۱۶). توجه شود که روایت این سه منبع اخیر به طور قابل ملاحظه ای به روایت کراچکی نزدیک است، هرچند تفاوت هایی بین آنها وجود دارد.
۷. علی بن ولید اسماعیلی (ق ۷) پاسخ نامه حسن بصری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده است. (اسماعیلی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۹)
۸. نسخه ای خطی از این نامه به خط سید حیدر عاملی (ق ۸) موجود است که برخی از محققین آن را بیان کرده‌اند (حافظیان بابلی، ۱۳۸۵، صص ۲۵۵-۲۵۷)

### توضیح یکم

نکته تعجب برانگیز این است که سید احمد بن زین العابدین علوی (زنده در سال ۱۰۵۰) به این مکاتبه اشاره کرده و می گوید: «پس پوشیده نیست که صاحب کتاب الجواهر از معتزله گفت: قيل: إنّ الحسن البصري كتب إلى الإمام الحسن بن علي عليه السلام: من الحسن البصري إلى ابن رسول الله ﷺ، أمّا بعد فإنّكم معاشر بني هاشم الفلك الجارية...» (سید احمد بن زین العابدین، ۱۴۲۷، صص ۳۹۶-۳۹۷)

منظور او از اینکه مؤلف کتاب جواهر از معتزله است واضح نیست، شاید سید عاملی این موضوع را خلط کرده است، زیرا کراچکی کتابی به نام «معدن الجواهر و رياضة الخواطر» کتاب به این نام چاپ شده. نوشته است. ممکن است سید عاملی گمان کرده باشد که این روایت از آن کتاب است، البته همانطور که دیدید بدین گونه نیست، همچنین تصور

سید عاملی نسبت به معتزلی بودن مؤلف کتاب «معدن الجواهر» نیز صحیح نیست. همگان تصریح کرده‌اند که کراچکی از بزرگان علمای امامیه است. با توجه به منابعی که در اختیار داریم. از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که ابن شعبه اولین کسی است که به این نامه اشاره کرده و آن را نقل کرده است.

### توضیح دوم

باب تحقیق درباره ادعای صحت انتساب این نامه به حسن بصری باز است، حسن بصری در سال ۲۱ هجری زاده شده و در سال ۱۱۰ هجری قمری درگذشته، پس در زمان شهادت امام حسن علیه السلام یعنی سال ۴۹ یا ۵۰ هجری قمری ۳۰ ساله بوده است. جای تعجب است که حسن بصری آن زمان در این بحث‌های کلامی تیز و تند عمیق شده باشد، از جمله قضا و قدر و استطاعت، تا نیاز به گفت و گو با امام علیه السلام در این مسائل را داشته باشد، برخلاف آنچه از سیر نامه کشف می‌کنیم، به نظر می‌رسد که سوال کننده در هنگام نوشتن نامه از افراد مطلع نسبت به سوالاتی که مطرح می‌کند باشد و این مستلزم آن است که نویسنده نامه، بخش قابل توجهی از عمر خود را صرف این تحقیقات کرده باشد. همچنین گرایشات اعتقادی حسن بصری نیز تأیید نمی‌کند که امام حسن علیه السلام را این گونه خطاب کند و بگوید: «... شما قبیله بنی هاشم کشتی‌های در حال جریان بر بستر دریا‌های عمیق طوفان زده هستید و نورافکنهای فروزان و نمایان چون کشتی نوح که مؤمنان در آن جای گزیدند و مسلمانان (به برکت آن) نجات یافتند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۵) در صورتی که حسن بصری از جمله کسانی بود که از امیرالمؤمنین علیه السلام حمایت نکرد.<sup>۱</sup> (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۹۵)

۱. از سوی دیگر، برخی از محققان (رجوع شود به: دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۲۰، ص ۵۷۶-۵۷۷) مقاله: (حسن بصری) نوشته: «فرامرز حاج منوچهری و محمد جواد شمس» کوشیده‌اند تا نزدیکی فکری حسن بصری و اهل بیت علیهم السلام در امر جبر و اختیار با برجسته کردن مضمون این نامه و مقایسه آن با نامه دیگری منسوب به حسن بصری در پاسخ به سؤال عبدالملک در مورد قضا و قدر به نقل از قاضی عبدالجبار در فضل اعتزال و طبقات معتزله صص ۲۱۵-۲۱۷ بیان شده که حسن بصری تأثیرپذیری آشکاری از مکتب اهل بیت علیهم السلام داشته است و عقیده اش نه جبر و نه تفویض، بلکه امری بین دو امر

اما در مورد پاسخ منسوب به امام حسن علیه السلام که مورد توجه ماست، تردیدی نیست که آموزه‌های موجود در آن در موضوع جبر و اختیار با بقیه روایات ائمه علیه السلام سازگاری کامل دارد. محور صحیح مورد نظر ائمه علیه السلام در بحث جبر و اختیار همان امر بین الامرین است. در نهایت می‌توان قانع شد که این پاسخ از سوی امام حسن علیه السلام بر اساس استناد به منابع فراوان صادر شده در این موضوع که معارضی برای آن پیدا نشد. اما درباره مخاطب آن، ظاهراً مردی غیر از حسن بصری است.

حدیث پنجم. «موعظة: اعلموا ان الله لم يخلقكم عبثاً...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲)

### توضیح یکم

این خطبه در هیچ یک از منابع موجود به طور کامل یافت نشد. بعید نیست که ابن شعبه هر قسمت آن را از روایت‌های دیگر استخراج کرده و در نهایت به صورت یک خطبه منسجم گرد آورده باشد. این خطبه تنها در این کتاب نقل شده است. اگرچه ممکن است در نگاه اول آن را عجیب بدانیم، اما ابن شعبه در برخی از روایاتی که به ائمه نسبت داده، همین رویکرد را دنبال کرده است. بلکه نشانه‌هایی وجود دارد که غالباً آنچه را که از سخنان برخی از حکیمان، صوفیه یا عده‌ای دیگر بر اهداف خود صادق می‌یافت - که مورد تأیید او بودند - به ائمه علیه السلام نسبت می‌داد. به دنبال بررسی‌های برخی از محققین شواهد روشنی بر ساختگی بودن این نوع روایات به دست آمده است.<sup>۱</sup>

### توضیح دوم

برخی از فقرات این حدیث را در روایات دیگری که از امام علی علیه السلام نقل شده است

است. منظور ما در اینجا این نیست که این موضوع را قبول یا رد کنیم. بلکه می‌گوییم: برای ما ممکن نبوده است که به صدور چنین نامه‌ای که حاوی این همه تکریم و بزرگی برای مصداق حسن بصری باشد، اعتماد کنیم، هر چند حسن تا حدودی تحت تأثیر مقام ائمه اطهار باشد.

۱. رجوع شود به نوشته یکی از پژوهشگران در وبگاه ایشان به نام <http://alasar.blog.ir> در مورد روش ابن شعبه در تحف العقول ملاحظه شود مقالات: الف. سخن امام صادق علیه السلام یا خالد بن صفوان؟! (بررسی تحف العقول) ب. بررسی وصیت امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم در تحف العقول ج. بررسی سه روایت دیگر از تحف العقول و مقایسه آن با حکایات منسوب به دیگران و...

می‌یابیم. به عنوان مثال:

۱. نزدیک به این فراز: «اعلموا أنّ الله لم یخلقکم عبثاً و لیس بتاریکم سُدی؛ کتَبَ آجالکم و قَسَمَ بَینکم مَعاییشکم» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲) در خطبه ای از امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه که المنقری در وقعة صفین و الثقفی در الغارات و دیگران آن را با اختلاف اندکی نقل کرده‌اند. در متن المنقری چنین است: «.. وَ أَشْفِقُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَمْ یَخْلُقْکُمْ عَبْثاً وَ لَمْ یُتْرَکْ سَیئِئاً مِنْ أَمْرِکُمْ سُدی؛ قَدْ سَمِیَ آثَارُکُمْ وَ عَلِمَ أَعْمَالُکُمْ وَ کَتَبَ آجَالُکُمْ» (منقری، ۱۴۰۴، ص ۱۰). متن ثقفی چنین است: «.. فَاخْشُوا اللَّهَ خَشِیَةً لَیْسَتْ بِسَمْعَةٍ وَ لَا تَعْدِیرٍ فَإِنَّهُ لَمْ یَخْلُقْکُمْ عَبْثاً وَ لَیْسَ بِتَارِکُمْ سُدی قَدْ أَحْصَى أَعْمَالُکُمْ وَ سَمِیَ آجَالُکُمْ وَ کَتَبَ آثَارُکُمْ» (ثقفی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۹۲).

۲. بند «قَدْ کَفَاکُمْ مَثْوَنَةُ الدُّنْیَا وَ فَرَعُکُمْ لِعِبَادَتِهِ وَ حَتَّکُمْ عَلَی الشُّکْرِ وَ افْتَرَضَ عَلَیْکُمُ الذِّکْرَ وَ أَوْصَاکُمْ بِالتَّقْوَى وَ جَعَلَ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَاهُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲) را سید رضی رحمه الله در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه - به اعتبار اینکه عبارت مورد نظر جزء کلام امام علی است - آورده است «قَدْ کَفَاکُمْ مَثْوَنَةُ دُنْیَاکُمْ وَ حَتَّکُمْ عَلَی الشُّکْرِ وَ افْتَرَضَ مِنْ أَلْسِنَتِکُمْ الذِّکْرَ وَ أَوْصَاکُمْ بِالتَّقْوَى وَ جَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَاهُ» (سید رضی، ۱۳۷۲، ص ۳۵۳).

۳. عبارت «وَالتَّقْوَى بَابٌ کُلُّ تَوْبَةٍ وَ رَأْسُ کُلِّ حِکْمَةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲) را خود ابن شعبه در خطبه‌های حضرت مسیح علیه السلام چنین روایت کرده است: «وَالتَّقْوَى رَأْسُ کُلِّ حِکْمَةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۲).

به هر حال، پس از آگاهی از روش شناسی ابن شعبه، صحت انتساب این خطبه - به عنوان یک عبارت مستقل جدا - به امام حسن علیه السلام دشوار است.

حدیث ششم. «خطبته حین قال له معاوية بعد الصلح اذکر فضلنا..» (ابن شعبه حرانی،

۱۴۰۴، ص ۲۳۲)

## مستندات

۱. گزارش این رویداد در کتاب جاحظ با عنوان «المحاسن و الاضداد» چنین آمده است: «و ذکروا أنّ عمرو بن العاص قال لمعاوية: «ابعث إلى الحسن بن عليٍّ فأمره أن

یخطب علی المنبر، فلعلّه یحصر، فیکون فی ذلك ما نعیره به...» (منسوب به جاحظ، ۲۰۰۲، صص ۱۳۸-۱۳۹)

۲. همین روایت جاحظ را ابراهیم بن محمد البیهقی (م بعد از ۳۲۰ ق) در محاسن و اصداد (بیهقی، ۱۴۲۰، ص ۶۸) نقل کرده است.

۳. ابن عبد ربّه (م ۳۲۸ ق) نیز در عقد الفرید (اندلسی، ۱۴۰۴، ج ۴، صص ۱۰۳-۱۰۴) به طور خلاصه نقل کرده است.

۴. این خطبه را در امالی شیخ صدوق نیز می‌یابیم، آنجا که به سند خود از مفضل بن عمر روایت کرده، می‌گوید امام صادق گفت: پدرم به من از پدرش خیر داد که حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) عبادترین مردم در زمان خود بود...» سپس امام صادق (علیه السلام) بسیاری از مکارم اخلاق امام حسن (علیه السلام) را یاد می‌کند. می‌خوانیم: «وَلَقَدْ قَبِلَ لِمُعَاوِيَةَ ذَاتَ يَوْمٍ لَوْ أَمَرَتِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَصَعِدَ الْمُنْبَرِ فَخَطَبَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ نَفْسَهُ فَدَعَاهُ فَقَالَ لَهُ اصْعِدِ الْمُنْبَرِ وَ تَكَلِّمْ بِكَلِمَاتٍ تَعْظُنَا بِهَا فَقَامَ فَصَعِدَ الْمُنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ...» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، صص ۱۷۸-۱۷۹). روشن است این بخش از ادامه حدیث است.

۵. خرگوشی (م ۴۰۶ ق) آن را در شرف النبی روایت کرده، می‌گوید: «یقال: إن عمرو بن العاص قال لمعاوية: إن الحسن بن علي قد شمخ أنفأ، و رفع رأساً، و اشرأبت إليه قلوب الناس بالثقة و المقمة، فلو سألته أن يخطب الناس، فإنه امرؤ حديث السن، لم يتعود الخطب...» (خرگوشی، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۳۰۴)

۶. قطب راوندی (م ۵۷۳ ق) در کتاب الخرایج گوید: «رُوي أَنَّ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ قَالَ لِمُعَاوِيَةَ إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ رَجُلٌ حَيِيٌّ وَإِنَّهُ إِذَا صَعِدَ الْمُنْبَرِ وَ رَمَقُوهُ النَّاسُ بِأَبْصَارِهِمْ حَجِلٌ وَ انْقَطَعَ؛ لَوْ أُذِنَتْ لَهُ فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ صَعِدْتَ الْمُنْبَرِ وَ وَعَظْتَنَا...» (قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، صص ۲۳۶-۲۳۸) بین این دو روایت در برخی الفاظ اختلاف است، همچنان که روایت موجود در کتاب قطب راوندی طولانی تر و در آن عبارات اضافه بر روایت تحف العقول موجود است.

۷. طبرسی (ق ۶) در الاحتجاج روایت کرده: «وَرُوي أَنَّ عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ قَالَ لِمُعَاوِيَةَ ابْعَثْ إِلَي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ فَمُرَّهُ أَنْ يَصْعَدَ الْمُنْبَرِ وَيَخْطُبَ النَّاسَ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَحْصُرَ فَيَكُونُ

ذَلِكَ مِمَّا نَعِيْرُهُ بِهِ فِي كُلِّ مَحْفَلٍ فَبَعَثَ إِلَيْهِ مُعَاوِيَةَ فَأُصْعِدَهُ الْمُنْبِرَ وَقَدْ جَمَعَ لَهُ النَّاسُ وَ  
رُؤَسَاءَ أَهْلِ الشَّامِ فَحَمِدَ اللَّهُ الْحَسَنُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۸۱)  
۸. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) در المناقب از کتاب العقد الفريد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹،  
ج ۴، صص ۱۱-۱۲) روایت کرده، سپس روایت دیگری را که از لحاظ محتوا مضمونش نزدیک به  
این خطبه است را بدون ذکر منبع نقل کرده، می‌گوید: «الْمُنْهَالُ بْنُ عَمْرِو بْنِ مُعَاوِيَةَ سَأَلَ  
الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَصْعِدَ الْمُنْبِرَ وَيَنْتَسِبَ فَصَعِدَ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ...»

### توضیح

بین این روایات تفاوت‌هایی وجود دارد. از اضافات و حذفیات و غیر آنها - که به آنها  
نپرداختیم. به هر حال این روایات به طور مجمل ما را به صحت انتساب این مفاخره به  
امام حسن علیه السلام یقین می‌بخشد، حتی اگر نتوانیم اثبات صدور برخی از الفاظ یا تفاسیل  
آن را با توجه به اختلاف منبع و مصادر دیگر روشن کنیم.  
در اینجا از ذکر این نکته غافل نمی‌شویم که ابن شهر آشوب این مفاخره را از ابوالحسن  
مدنی<sup>۱</sup> (م ۲۲۴ ق) نیز نقل کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، صص ۱۱-۱۲). این به وضوح  
نشان می‌دهد که این خطبه در میان مورخان قبل از زمان جاحظ ریشه دارد، یعنی قرن دوم  
هجرت.

حدیث هفتم. «قَالَ: مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَىٰ رُشْدِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۳)

### مستندات

این عبارت با همین تعابیر یا نزدیک به آن در بسیاری از منابع ادبی و حدیثی و سایر  
منابع از قرن دوم نقل شده است.

۱. ابو محمد عبد الله بن وهب مصری (م ۱۹۷ ق) گفته «أَخْبَرَنَا مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ، عَنْ رَجُلٍ،

۱. از برجسته‌ترین مورخان قرن دوم و سوم که دارای تالیفات بسیار است. ذهبی در مورد او گفته: فرد عجیبی  
بود در شناخت سیره، تاریخ جنگ‌ها، انساب و روزگار عرب. هر نقل کرده درست می‌باشد و دارای  
سند عالی است. رجوع شود به بیان ابن ندیم در الفهرست او: صص ۱۴۷-۱۵۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲،  
صص ۵۵-۵۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، صص ۴۰۰-۴۰۱.

قَالَ: «مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا لِأَرْشَادِ أَمْرِهِمْ» (مصری، ۱۴۱۶، ص ۳۹۸)

۲. مانند همین متن را ابن ابی شیبیه (م ۲۳۵ ق) در دو کتابش کتاب الادب (ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۰، ص ۱۴۹) و کتاب المصنف فی الاحادیث و الآثار (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۸) آورده و گفته: «حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، حَدَّثَنَا إِيَّاسُ بْنُ دَعْفَلٍ، حَدَّثَنَا الْحَسَنُ، قَالَ: ...»
۳. بخاری (م ۲۵۶ ق) آن را در الادب المفرد (بخاری، ۱۴۰۹، ص ۱۰۰) از سری از حسن نقل کرده که گفت: «وَاللَّهِ مَا اسْتَشَارَ قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا هُدُوا لِأَفْضَلِ مَا بَحْضَرْتِهِمْ، ثُمَّ تَلَا: وَأَمْرُهُمْ سُورَى يَبْتَهُمُ (الشورى/۳۸)»
۴. طبری (م ۳۱۰ ق) به سند خود به ایاس بن دغفل از حسن بصری نقل کرده است.
۵. ابواسحق زجاج (م ۳۱۱ ق) در معانی القرآن گفته: «وقيل: إنه ما تشاور قوم قط إلا هُتوا لأحسن ما يحضروهم.» (زجاج، ۱۹۸۸، ج ۴، ص ۴۰۱)
۶. ابی بکر بن المنذر النیشابوری (م: ۳۱۹ ق) در کتاب تفسیر القرآن (ابن منذر، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۶۷) با سند خود از عمران روایت می‌کند که «قَالَ: سمعت الحسن، يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ قَالَ: مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا هُدُوا لِأَرْشَادِ أَمْرِهِمْ.»
۷. وی در کتاب دیگرش: کتاب الاوسط تصریح به لقب حسن کرده و قائل شده «وَقَالَ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: مَا شَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا لِأَرْشَادِ أَمْرِهِمْ» (ابن منذر، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۳۰۷)

### توضیح یکم

ابن حبان در کتاب خود روضة العقلاء آورده - نخستین منبعی که این عبارت را در آن یافتیم - به سند خود از ایاس بن دغفل از حسن: که رسول خدا ﷺ و سلم فرمود: «ما شاور قوم قط إلا هُتوا إلى رشدهم» (بستی، ۲۰۰۹، ج ۲، ص ۷۳۴). این موضوع بعید است و در رسیدن سند به رسول خدا ﷺ احدی قبل از او مشارکت نداشته است. بلکه از همه ی منابع بدین نظر رسیدیم که این عبارت در نقل از حسن بصری متوقف شده است. لذا جزء احادیث «مقطوع» که از اصطلاحات حدیثی نزد اهل سنت است، قرار می‌گیرد. به هر حال به نظر

۱. و در آن آمده: «ما شاور قوم...»

۲. رجوع شود به مقدمه ابن صلاح، ص ۴۷



می‌رسد شروع ایده‌ی رسیدن این حدیث به پیامبر ﷺ از تخیلات ابن حبان می‌باشد. با سیر تاریخی به نخستین عالم شیعه یعنی شیخ طوسی (۴۶۰ق) که این عبارت را در تبیان ذکر کرده است می‌رسیم که بیان داشته: «قیل: ما تشاور قوم إلا وفقوا لأحسن ما يحضرهم» (طوسی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۱۶۸) سپس به گفته ابن عبدالبر (۴۶۳ق) می‌پردازیم که آخرین فردی است که این عبارت را از سخنان پیامبر اعظم ﷺ دانسته است. (قرطبی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۴۵۱) پس از او ابوالمظفر السمعانی (م ۴۸۹ق) آن را در تفسیر قرآن روایت می‌کند و قائل است «عَنْ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: مَا تَشَاوَرُ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَىٰ أَرْشَادِ أُمُورِهِمْ» (سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۸۱)

### توضیح دوم

زمخشری (م ۵۳۸ق) در مورد این عبارت سخنی شگفت دارد. وی در کشف در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران عبارت را به نبی اکرم نسبت داده و این‌گونه بیان داشته: «و عن النبي ﷺ: «ما تشاور قوم قط إلا هُدوا لأرشد أمرهم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۲). اما ذیل آیه ۳۸ سوره شوری «وَأْمُرُهُمْ سُورِي بَيْنَهُمْ» آن را به حسن نسبت داد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۸) که گویا منظورش حسن بصری بوده است. سپس در کتاب دیگرش ربیع الأبرار این جمله را به عمر نسبت داده است: «ما تشاور قوم قط إلا هُدوا إلى رشد أمرهم» (زمخشری، ۱۹۹۹، ج ۳، ص ۴۵۳)

### توضیح سوم

تعدادی از علما - بعد از زمخشری - این عبارت را حدیث دانسته‌اند، از جمله امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق) (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۶)، نظام الدین اعرج نیشابوری (ق ۸هـ) (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۹۴)، ملا فتح الله کاشانی (ق ۱۰ق) (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۸۵) و اخیراً سید عبدالاعلی سبزواری (۱۴۱۴ق) (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۹) که آن را روایتی نبوی دانسته‌اند.

### توضیح چهارم

پس از ارائه مفصل از جایگاه‌های عبارت مورد نظر در طول تاریخ، دیگر نیازی نیست دلیل بیاوریم که نسبت عبارت مطرح شده به امام حسن رضی الله عنه اثبات شده نیست و از جمله

منفردات ابن شعبه در انتساب این جملات به امام حسن علیه السلام هست و هیچ کس در بیان این موضوع با او همراهی نداشته است، بلکه این موضوع با توجه به آنچه ذکر شد روشن است که از اقوال حسن بصری است که ابن شعبه عبارتی منسوب به حسن یافته. بدون ذکر لقب «بصری»، چنانکه در بسیاری از منابع بدین صورت آمده - آنگاه پنداشته که مقصود از آن امام حسن علیه السلام است. چنین اشتباهی از برخی معاصران نیز رخ داده است، مانند «علی محمد محمد الصلابی در کتابش به نام «امیرالمؤمنین حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام شخصیت و عصره»<sup>۱</sup> در آنجا این عبارت را به امام حسن علیه السلام نسبت داده و سپس در حاشیه کتاب «تهذیب الریاسة و ترتیب السیاسة» نوشته ابی عبدالله قلعی شافعی (م ۶۳۰) در این زمان عبدالله قلعی این عبارت را یقیناً به حسن (شافعی، بی تا، ص ۱۸۳) نسبت داده است و شکی نیست که منظور او: حسن بصری بوده چنانکه از لابه لای روایات منابع نقل شده برای ما روشن شد.

حدیث هشتم. «وَقَالَ: اللُّؤْمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۵)

### توضیح یکم

این سخن را با این الفاظ در منابع نیافتیم، ولی کلینی با سند خود از امام باقر علیه السلام در خطبه الوسیله ی امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که در آن آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُفِّرُوا النِّعْمَةَ لُؤْمٌ وَصُحْبَةُ الْجَاهِلِ سُؤْمٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴). قابل توجه است که خود ابن شعبه عین این بند را یک بار در ضمن خطبه الوسیله (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۹۸) و بار دیگر در نامه امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام نقل کرده است. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۰)<sup>۲</sup>

ما بعید نمی دانیم که ابن شعبه کلام امام علی را به امام حسن علیه السلام نسبت داده باشد و با توجه به شیوه او در نقل احادیث جای تعجب نیست.

۱. امیرالمؤمنین الحسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه: شخصیت و عصره، صص ۲۸۲-۲۸۴

۲. در قسمت دیگری از همین نامه در صفحه ۸۳ این چنین آمده: «وَلَا تَكْفُرَنَّ ذَا نِعْمَةٍ فَإِنَّ كُفْرَ النِّعْمَةِ مِنَ الْأَمِّ الْكُفْرِ»

## توضیح دوم

عبارت «و اعلم أنّ كفر النعمة لؤم، و صحبة الجاهل شؤم» را شیخ صدوق (۳۸۱ق) در ذیل عبارات مختصری که قبلاً از رسول خدا ﷺ ذکر نشده بود بیان داشته است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۰)، همان طور که ابوعلی قالی (۳۵۶ق) در الامالی به احنف بن قیس<sup>۲</sup> در ضمن پندهای حکیمانه (قالی، ۱۴۲۲، ص ۲۸۸)، سپس نزدیک به همین مضمون را طرطوشی (م ۵۲۰) در سراج الملوک (طرطوشی، ۱۴۱۵، ص ۵۲۸)<sup>۳</sup> به اکثم بن صیفی<sup>۴</sup> نسبت داده است.

در دو مورد اخیر، اگر صحت این دو انتساب را به امام علی یا امام حسن علیهما السلام بپذیریم، البته به این معنا نیست که این جمله از قول حضرت علی علیه السلام نیست، برای اینکه مضمون این جمله از الزامات فطرت مشترک انسانی است، لذا این عبارت با تعابیر مختلف در کلام علماء ادیان مختلف یافت می‌شود.

انتساب آن به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بعید نیست، چنان که بسیاری در بین روایات بیان شده، محتوایی واحد از تعدادی از امامان با لفظ یکسان یا با عبارات نزدیک به یکدیگر نقل شده است.

## فهرست منابع

- ابراهیم مصطفی و دیگران، بی تا، المعجم الوسیط، المكتبة الإسلامية - استانبول.  
ابن ابی شیبیه، ابو بکر عبد الله بن محمد، ۱۴۲۰هـ، کتاب الأدب، تحقیق: محمد رضا القهوجی، دار البشائر الإسلامية، بیروت.  
ابن ابی شیبیه کوفی عبد الله بن محمد، ۱۴۰۹هـ، مصنف ابن ابی شیبیه فی الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد، الرياض.

۱. و عبارتش: «كُفْرُ النِّعَمِ مُؤْتٌ وَ مُجَالَسَةُ الْأَحْمَقِ سُؤْمٌ». والمؤت: حماقت توأم با کم هوشی (المعجم الوسیط: ۸۹۲)  
۲. ابو بحر الاحنف بن قیس التیمی یکی از کسانی بود که به بردباری و آقایی اش مثال میزدند. و از تابعین بود. (م ۵۷۱/۶۷) رجوع شود به شرح حالش در قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۸۷-۶۹۲  
۳. گفتارش بدین گونه هست: «كفر النعم لؤم، و صحبة الأحمق شؤم».  
۴. اکثم بن صیفی التیمی، حکیم عرب در جاهلیت و یکی از افرادی دارای عمر طولانی (۹م) رجوع شود به شرح حالش در الاعلام زرکلی، ج ۲، ص ۶

ابن شعبه حرانی ابو محمد الحسن بن علی، ۲۰۰۶م، حقائق أسرار الدین، تحقیق: أبو موسی والشیخ موسی، دار «الأجل المعرفة» و دیار عقل، لبنان.

ابن عساکر دمشقی علی بن الحسن، ۱۴۱۵هـ، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، دار الفکر، بیروت.  
ابن ندیم ابو الفرج محمد بن إسحاق، بی تا، الفهرست، دار المعرفة، بیروت.

ابو سعد آبی منصور بن الحسین، ۱۴۲۴هـ، نشر الدرّ فی المحاضرات، تحقیق: خالد عبد الغنی محفوظ، دار الکتب العلمیة، بیروت.

أبو نعیم اصفهانی أحمد بن عبد الله، ۱۴۱۰هـ، أخبار أصبهان (تاریخ أصبهان)، تحقیق: سید کسروی حسن، دار الکتب العلمیة، بیروت.

اسماعیلی علی بن الولید، ۱۴۰۳هـ، تاج العقائد ومنبع الفوائد، تحقیق: عارف تامر، مؤسسة عز الدین، بیروت.  
اصفهانى أبو نعیم أحمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء، تحقیق: کمال یوسف، دار أم القرى، القاهرة.

اندلسی احمد بن محمد بن عبد ربّه، ۱۴۰۴هـ، العقد الفرید، تحقیق: مفید محمد قمیحه، دار الکتب العلمیة، بیروت.

باقری حمید، فصلنامه «علوم حدیث»، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۳ش، مقاله: «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید الإبتشار به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرانی، محدث شناخته شده شیعی»

باقری حمید، مجله مقالات و بررسیها: (ادیان و عرفان)، سال: ۴۸، شماره: ۲، پاییز و زمستان: ۱۳۹۴ش، مقاله: «حقائق أسرار الدین»، متنی کهن از میراث نصیریه: پژوهشی در تاریخ گذاری و شناسایی مؤلف آن»  
بخاری محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۹هـ، الأدب المفرد، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار البشائر الإسلامیة، بیروت.

بستی محمد بن حبان، ۱۳۹۶هـ، کتاب المحروحين، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، دار الوعی، حلب.

..... ۲۰۰۹هـ، روضة العقلاء، تحقیق: عبد العلیم محمد الدریش، منشورات الهيئة العامة السورية للكتاب، دمشق.

بغدادی أحمد بن علي الخطیب، ۱۴۱۷هـ، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت.

بیهقی ابراهیم بن محمد، ۱۴۲۰هـ، المحاسن والأضداد، تحقیق: عدنان علی، دار الکتب العلمیة، بیروت.

بیهقی أحمد بن الحسین، ۱۴۲۱هـ، شعب الإيمان، تحقیق: محمد السعید بن بسیونی، دار الکتب العلمیة، بیروت.

تحت نظر سید محمد کاظم بجنوردی، ۱۳۹۲ش، دائرة المعارف بزرگ اسلامي (ج ۲۰)، مرکز دائرة المعارف الإسلامیة، طهران، (مدخل: حسن بصری) بقلم: «فرامرز حاج منوچهری ومحمد جواد شمس».

تستری الشیخ محمد تقی، ۱۴۱۰هـ، قاموس الرجال، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.

تقفی ابراهیم بن محمد، ۱۴۱۰هـ، الغارات، تحقیق: الیسید عبد الزهراء الحسینی الخطیب، دار الکتب الإسلامی، قم.

- حافظیان بابلی ابوالفضل، مجله: «میراث شهاب»، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش، شماره ۴۳، مقاله: «نسخه های عکسی» حرّ عاملی شیخ محمد بن الحسن، بی تا، أمل الآمل في علماء جبل عامل، تحقیق: السید أحمد الحسینی، بغداد، مکتبه الأندلس.
- حرانی أبو محمد الحسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیهم)، عني بتصحيحه و التعليق عليه: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الثانية.
- حلی علی بن یوسف بن المطهر، ۱۴۰۸هـ، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، تحقیق: السید مهدي الرجائي، مکتبه آية الله المرعشي، قم.
- خرگوشی عبد الملك بن محمد، ۱۴۲۴هـ، شرف المصطفى، تحقیق: أبو عاصم نبیل بن هاشم العمري، دار البشائر الإسلامية، مكة المكرمة.
- دیلمی الحسن بن أبي الحسن، ۱۴۰۸هـ، أعلام الدين في صفات المؤمنین، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم.
- ذهبی محمد بن أحمد بن عثمان، ۱۴۰۵هـ، سير أعلام النبلاء، تحقیق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بيروت.
- زرکلی خیر الدين، ۱۹۸۹هـ، الأعلام، دار العلم للملايين، بيروت.
- زمخشری محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي.
- .....، ۱۹۹۹هـ، ربيع الأبرار ونصوص الأخبار، تحقیق: عبد الأمير مهنا، مؤسسة الأعلمي، بيروت.
- سبزواری سید عبد الأعلى، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن، بيروت، مؤسسة أهل البيت (علیهم السلام).
- سمعاني أبو المظفر منصور بن محمد، ۱۴۱۸هـ، تفسير القرآن، تحقیق: یاسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس، دار الوطن، الرياض.
- سید رضي محمد بن الحسين الموسوي، ۱۳۷۲ش، نهج البلاغة، تصحيح الشيخ عزيز الله العطاردي، بنیاد نهج البلاغة.
- سید مرتضی علی بن الحسين (م ۴۳۶ ق)، ۱۴۲۵ق، أمالي المرتضى، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، المکتبه العصريّة، الطبعة الأولى.
- شاشی أبو بكر محمد بن أحمد قفال، ۱۴۱۸هـ، فوائد أبي بكر الشاشي، تحقیق: أبو الحسن سمير بن حسين ولد سعدي القرشي، مکتبه الرشد، الرياض.
- شافعي أبو عبد الله محمد بن علي القلعي، بی تا، تهذيب الرياسة وترتيب السياسة، تحقیق: إبراهيم يوسف مصطفى، مکتبه المنار، الأردن.
- شهر آشوب محمد بن علي السروي المازندراني، ۱۳۷۹هـ، مناقب آل أبي طالب، انتشارات علامه، قم.
- .....، ۱۳۶۹هـ، متشابه القرآن، انتشارات بيدار، قم.
- شيخ صدوق أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي، ۱۳۷۶ش، الأمالي، كتابجي، طهران.
- .....، ۱۴۰۳ق، الخصال، صححه وعلّق عليه: علي أكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية - قم.

- ..... ۱۴۰۶هـ، **ثواب الأعمال وعقاب الأعمال**، تقديم: السيد محمد مهدي السيد حسن الخرسان، منشورات الشريف الرضي - قم.
- ..... ۱۴۱۳ق، **من لا يحضره الفقيه**، مصحح: علي أكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم.
- ..... ۱۴۰۳هـ، **معاني الأخبار**، تصحيح: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي، قم.
- ..... ۱۴۲۵هـ، **أمير المؤمنين الحسن بن علي بن أبي طالب رضي الله عنه**: شخصيته وعصره، دار التوزيع، مصر.
- طبرانی ابو القاسم سليمان بن أحمد ۱۴۰۴ق، **المعجم الكبير**، حققه وخزج أحاديثه: حمدي عبد المجيد السلفي، دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية.
- طبرسي أبو علي الفضل بن الحسن، ۱۳۷۷ش، **جوامع الجامع**، تحقيق: أبو القاسم گرجي، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران.
- طبرسي أحمد بن علي، ۱۴۰۳هـ، **الاحتجاج**، تحقيق: محمد باقر الخرسان، نشر المرتضى، مشهد.
- طبري أبو جعفر محمد بن جرير، ۱۴۲۲هـ، **جامع البيان في تفسير آي القرآن**، تحقيق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، مركز البحوث والدراسات العربية والإسلامية بدار هجر، القاهرة.
- طرطوشي محمد بن محمد الوليد، ۱۴۱۵هـ، **سراج الملوك**، تحقيق: نعمان صالح، دار العاذرية، الرياض.
- علوي سيد أحمد بن زين العابدين، ۱۴۲۷هـ، **الحاشية على أصول الكافي**، تحقيق السيد صادق الإشكوري، دار الحديث، قم.
- قالی أبو علي إسماعيل بن القاسم، ۱۴۲۲هـ، **الأمالی**، تحقيق: صلاح بن فتحي هلل وسيد بن عباس الجليمي، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت.
- قزطبي أبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر، ۱۹۸۱م، **بهجة المجالس وأنس المجالس**، تحقيق: محمد مرسي الخولي، دار الكتب العلمية، بيروت.
- قطب الدين راوندي (م ۵۷۳ق)، ۱۴۰۹ق، **الخرائج والجرائح**، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام / بإشراف السيد محمد باقر الموحّد الأطّحي، الطبعة الأولى، مؤسسة الإمام المهدي - قم.
- قطيفي شيخ إبراهيم بن سليمان، ۱۳۸۲ش، **الفرقة الناجية (رهپويان حقيقت)**، تصحيح و مقدمة: محمد حسن محمدی مظفر، نشر زائر، قم.
- كراجكي محمد بن علي، ۱۴۱۰هـ، **كنز الفوائد**، تحقيق: عبد الله نعمة، دار الذخائر، قم.
- كليني ابو جعفر محمد بن يعقوب، ۱۴۲۹هـ، **الكافي**، تحقيق: قسم إحياء التراث في مركز بحوث دار الحديث، الطبعة الأولى، دار الحديث، قم.
- ..... ۱۴۰۷هـ، **الكافي**، تحقيق: علي أكبر الغفاري، دار الكتب الإسلامية، طهران.
- ماوردي أبو الحسن علي بن محمد، ۱۴۲۰هـ، **الأمثال والحكم**، تحقيق: فؤاد عبد المنعم أحمد، دار الوطن للنشر، الرياض.

- محولی محمد بن خلف بن مرزبان، ۱۴۲۰هـ، کتاب المروءة، تحقیق: محمد خیر رمضان، دار ابن حزم، بیروت.
- مشغری جمال الدین یوسف بن حاتم، ۱۴۲۰هـ، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامی - قم.
- مصری عبد الله بن وهب، ۱۴۱۶هـ، الجامع، تحقیق: مصطفی أبو الخیر، دار ابن الجوزی، الرياض.
- معتزلی عبد الحمید بن أبی الحدید، ۱۴۰۴هـ، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مكتبة آية الله المرعشي، قم.
- منسوب به جاحظ عمرو بن بحر، ۲۰۰۲م، المحاسن والأضداد، تحقیق: علي بو ملحم، دار ومكتبة الهلال، بیروت.
- منقری نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴هـ، وقعة صفین، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة آية الله المرعشي، قم.
- نهروانی أبو الفرج المعافی بن زکریا، ۱۴۲۶هـ، المجلس الصالح الكافي والأنیس الناصح الشافي، تحقیق: عبد الکریم سامی الجنیدی، دار الکتب العلمیة.
- نیشابوری أبو بکر محمد بن إبراهيم بن المنذر، ۱۴۰۵هـ، الأوسط فی السنن والإجماع والاختلاف، تحقیق: أبو حماد صغیر أحمد بن محمد، دار طيبة، الرياض.
- نیشابوری محمد بن الحسن فتال، ۱۳۷۵ش، روضة الواعظین وبصيرة المتعظین، تقدیم: السيد محمد مهدي الخرسان، منشورات الشریف الرضی، قم.
- وزام بن أبی فراس، بی تا، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (المعروف بمجموعة وزام)، مؤسسه الأعلمی، بیروت.
- هجویری علي بن عثمان، ۱۳۸۳ش، كشف المحجوب، تصحیح الدكتور: محمود عابدي، نشر: سروش، طهران.

### پایگاه های اینترنتی و مقالات

<http://alasar.blog.ir/139704/11/tohaf1> 156:

<http://alasar.blog.ir/157>:

- «سخن امام صادق علیه السلام یا خالد بن صفوان؟! (بررسی تحف العقول)»؛
- «بررسی وصیت امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم در تحف العقول»؛
- «بررسی سه روایت دیگر از تحف العقول و مقایسه آن با حکایات منسوب به دیگران».